

ترکیه و چالش کردی

محمدعلی دستمالی*

مقدمه

حکومت جمهوری ترکیه طی سالیان اخیر، در مورد تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کردها در عراق و سوریه، دو رویکرد متفاوت در پیش گرفته است. این تفاوت، گاه چنان برجسته است که در نگاه نخست، شاید چنین تصور شود که ترکیه در پرونده‌ی کردی، دچار سرگشتگی و رفتار متناقض و تصمیمات کور و دفعتی شده است. اما نگراننده این تحلیل، بر این باور است که حکومت ترکیه، بر اساس برنامه‌ها و اهداف سیاسی خاص خود، به شکل عامدانه و هدفمند، نسبت به کردهای عراق و سوریه، به اشکال متفاوتی برخورد می‌کند.

الف. ترکیه و کردها پس از تأسیس جمهوری

عشایر و طوایف مختلف کرد که همگی حامی امپراطوری عثمانی بودند، پس از تأسیس جمهوری ترکیه، در برابر نظام جدید قرار گرفتند و بارها علیه این دولت تازه تأسیس قیام کردند. ظرف ۱۳ سال، از سال ۱۹۲۴ یعنی فقط یک سال پس از تأسیس نظام جمهوری، تا سال ۱۹۳۷، ۲۴ قیام کوچک و بزرگ توسط کردها شکل گرفت؛ که البته همه آن‌ها توسط دولت ترکیه به شکست کشانده شد. از زمان سرکوب قیام سیدرضا در سیمی در سال ۱۹۳۷ تا

* کارشناس مسائل ترکیه و کردها

تاسیس پ.ک.ک در سال ۱۹۷۸، کردها در ترکیه برای مدتی طولانی، دست از هر گونه اقدام و خیزش سیاسی کشیدند. نه تنها در دوران آتاترک و اینونو، که سیستم سیاسی ترکیه، تک‌حزبی و تحت کنترل حزب جمهوری خلق (CHP) بود، بلکه در دوران زمامداری نخست‌وزیر مقتدر و دموکراتی همچون عدنان مندرس نیز کسی حاضر نبود برای تغییر رویکرد سیاست‌های ترکیه نسبت به کردها قدمی بردارد.

حتی ژنرال کارابکر که قبلاً راهکارهای اقتصادی و فرهنگی خوبی برای حل معضل کردها ارائه داده بود، زمانی که در سال ۱۹۴۸ رئیس مجلس ملی ترکیه شد، مطلقاً حاضر نشد در مورد پرونده گُردی، اقدامی انجام دهد. در سال ۱۹۷۸ و در مقطعی که ترکیه به شدت تحت تاثیر فضای فکری چپ و کمونیسم قرار گرفته بود، عبدالله اوجالان و رفقای جوانش در آنکارا، پ.ک.ک را تاسیس کردند. پ.ک.ک در آن دوران، نهاد زیرزمینی بی‌کنشی بود و فعالیت خاصی انجام نمی‌داد. اما پس از کودتای سال ۱۹۸۰، بسیاری از اعضای آن دستگیر و زندانی شدند. در آن دوران در زندان‌های دیاربکر، بیش از چهار هزار نفر از شهروندان گُرد تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند. پ.ک.ک در سال ۱۹۸۴ فعالیت مسلحانه را آغاز کرد و این باعث شد به یکباره نگاه‌ها به سوی مسئله گُردی جلب شود. در آن دوران، تورگوت اوزال، نخست‌وزیر ترکیه، از تمام ظرفیت‌های نظامی و امنیتی کشورش برای مقابله با پ.ک.ک استفاده کرد، اما پ.ک.ک در میدان جنگ چریکی، خسارات بزرگی به ترکیه وارد کرد و این مسئله به مهم‌ترین معضل سیاسی و امنیتی ترکیه تبدیل شد.

نیروهای پ.ک.ک در آن زمان، علاوه بر کوهستان‌های ترکیه، در کوهستان‌های اقلیم کردستان نیز موضع گرفته بودند و بر اساس توافقات به‌عمل آمده بین حافظ اسد، رئیس جمهور وقت سوریه، و عبدالله اوجالان، در برخی مناطق نزدیک به لبنان، حلب و چند شهر کردنشین سوریه، پایگاه‌ها و مراکزی در اختیار پ.ک.ک قرار گرفته بود. دولت ترکیه در این مقطع، برای مقابله با پ.ک.ک در اقلیم کردستان عراق، با جلال طالبانی، رهبر حزب اتحادیه میهنی، و مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، وارد معاملات پنهانی شد و با حمایت از این دو حزب و اعطای برخی امتیازات به آن‌ها، زمینه جنگیدن نیروی زمینی ارتش ترکیه در شمال عراق را فراهم کرد. این مسئله، موجب ایجاد تفرقه و اختلاف بنیادینی بین این

سه حزب گردی شد و بر اساس آمارهایی که از سوی رهبران اقلیم اعلام شده است، در طول دو دهه، به خاطر درگیری‌هایی که بین پ.ک.ک، حزب دموکرات کردستان و حزب اتحادیه میهنی روی داد، بیش از سه هزار نفر از این سه جریان سیاسی گردی کشته شدند. در واقع، سیاست‌های ترکیه، کردها را در اقلیم کردستان عراق به جان پ.ک.ک انداخت.

در سوریه، چنین توفیقی به دست نیامد و حضور پ.ک.ک در این کشور، توانست اغلب کردهای سوریه را به سوی آن بکشانند. زمانی که تورگوت اوزال، در سال ۱۹۹۳ به عنوان رئیس جمهور ترکیه انتخاب شد، دو اتفاق مهم روی داد، که بر رویکرد حکومت ترکیه نسبت به کردها، تاثیر مستقیم گذاشتند. نخست، رویدادهای عراق و حمله صدام حسین به کویت و متعاقب آن، بی‌ثباتی در عراق و اصرار جورج بوش پدر بر تحمیل نظم نوین جهانی، منطقه را تحت تاثیر قرار داده و ترکیه نیز به عنوان متحد آمریکا و عضو ناتو وارد این معرکه شده بود. دوم، تورگوت اوزال به این نتیجه رسیده بود که با تداوم جنگ، نمی‌توان به مبارزات پ.ک.ک پایان داد و می‌توان از راه مذاکره و اعطای برخی حقوق فرهنگی و اجتماعی، به این غائله خاتمه داد. به همین خاطر، وی در سال ۱۹۹۳ با مسعود بارزانی و جلال طالبانی دیدار کرد و از طالبانی خواست به عنوان میانجی، با عبدالله اوجالان در لبنان و سوریه دیدار کند، اما این مذاکرات، به دلایل مختلفی به نتیجه نرسید و با مرگ مشکوک تورگوت اوزال، ترکیه و کردها به خانه اول بازگشتند. البته در دوران اوزال، تابوی استفاده از زبان گردی شکسته شد و مجله گردی ادبی - دینی «نوبهار» از سال ۱۹۹۳ به بعد، به طور منظم انتشار یافت و نهادهای مدنی، فرهنگی و مطالعاتی گردی هم به تدریج سر برآوردند.

ب. ترکیه و کردها در دوران آک پارتی

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور کنونی ترکیه، پیش از آن که همراه با دوستانش همچون عبدالله گل، حزب عدالت و توسعه^۱ را در سال ۲۰۰۱ تأسیس کند، بیش از دو دهه در حزب رفاه و حزب سلامت که نجم‌الدین اربکان آنها را تأسیس کرده بود، حضور داشت. اردوغان، در سالیانی که به عنوان شهردار استانبول فعالیت می‌کرد (۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸)، از سوی اربکان

1. Adalet ve Kalkınma Partisi

مأمور شد گزارش مفصلی در مورد چگونگی پایان‌دادن به معضل کردها تدوین کند. این گزارش به کمک بسیاری از فعالان سیاسی کُرد تدوین شد، اما حزب اربکان با کودتای مدرن سال ۱۹۹۷ تعطیل شد و فرصت و مجالی به وجود نیامد که اربکان در این حوزه قدمی بردارد. از سالیان آغازین تاسیس آک‌پارتی، اردوغان و گل، هر دو تصمیم گرفتند برای حل معضل کُردی گام بردارند. این هدف، با تئوری‌های احمد داوودغلو، بیش از پیش تقویت شد و لازم است رویکرد و نگرش کلی حکومت ترکیه در دوران اخیر نسبت به اقلیم کردستان عراق را با توجه به این خط سیاسی و فکری تحلیل کرد؛ خطی که معتقد است ترکیه نه تنها باید به معضل کُردی داخل کشور پایان دهد، بلکه لازم است با کردهای کشورهای دیگر نیز وارد تعامل شود.

اردوغان در سال ۲۰۱۱ برای نخستین بار به شهر اربیل در اقلیم کردستان عراق سفر کرد. پس از این سفر، به تدریج رویکرد ترکیه نسبت به عراق و اقلیم کردستان عراق تغییر یافت و ترکیه تصمیم گرفت اقلیم کردستان عراق را از لحاظ اقتصادی به خود وابسته کند. این هدف، تا حد زیادی محقق شده و با امضای قرارداد ۵۰ ساله فروش نفت اقلیم به ترکیه در سال ۲۰۱۴، این رابطه، مستحکم‌تر و پیچیده‌تر شد. ترکیه با وجود اعتراضات مکرر واشنگتن و بغداد، نفت اقلیم را از طریق بندر جیحان به بازارهای جهانی می‌فرستد و قرار است در سال ۲۰۱۷ گاز اقلیم نیز به ترکیه منتقل شود. اهمیت این مسئله در آن است که ترکیه از طریق اقلیم، نه تنها منابع سوخت فسیلی مورد نیاز خود را با قیمتی پایین تامین می‌کند، بلکه با ترانزیت نفت به بازارهای جهانی، درآمد کلانی به دست می‌آورد. البته این فقط یک بُعد از ماجراست و باید به این موضوع نیز توجه داشت که بین ترکیه و اقلیم کردستان عراق، روابط سیاسی-امنیتی مهمی به وجود آمده است و مسیر این همکاری، نشان می‌دهد بعید نیست ترکیه در آینده یکی از دولت‌هایی باشد که اگر به‌طور آشکار از استقلال اقلیم حمایت نکند، دست کم، با آن مخالفت نکند.

برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که رابطه اربیل-آنکارا، دارای پاشنه آشیلی به‌نام تأثیر مستقیم سرنوشت و حیات سیاسی اردوغان و بارزانی بر آینده این رابطه است؛ چرا که احزاب مخالف حکومت در داخل ترکیه، دل خوشی نسبت به تداوم این رابطه ندارند و این فرضیه

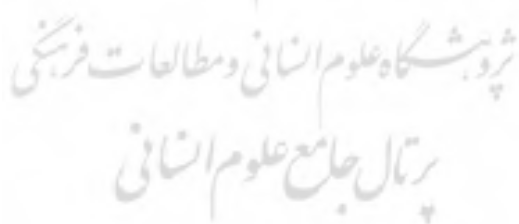
مطرح شده که اگر در آینده آک‌پارتی بر سر قدرت نماند، دولت بعدی تا این اندازه خود را به کردهای عراق نزدیک نخواهد کرد. از سوی دیگر، غیر از حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی، احزاب مخالف و رقیب، نه تنها دل خوشی نسبت به روابط با ترکیه ندارند، بلکه روابط گرمی با پ.ک.ک برقرار کرده‌اند.

ج. روابط آک‌پارتی با کردهای عراق و سوریه

یکی از مسائلی که بر نوع رویکرد ترکیه نسبت به کردها به شدت اثر گذاشته، مسئله پ.ک.ک است. واقعیت این است که برخلاف تصور عمومی، پ.ک.ک فاقد شناسنامه کُردی است و در اساسنامه این حزب، به صراحت به تبعیت این حزب از ایدئولوژی مارکسیسم اشاره شده و پ.ک.ک پیش از آن که حزبی کُردی باشد، جریانی سوسیالیستی است که از بیخ و بنیاد، با همه جریانات کُردی اختلاف نظر عمیق دارد و همه آنان را «ناسیونالیست بَدَوی» می‌نامد. اغلب سران پ.ک.ک، به طور مداوم بر این موضوع تأکید می‌کنند که پ.ک.ک باید به عنوان نهاد چپ‌گرای دموکراتیکی، خود را به عنوان حافظ حقوق همه اقشار اجتماعی و همه گروه‌ها و اقوام ترکیه و ملل خاورمیانه بشناساند و بر مسئله‌ی کُردی تأکید نکند. شاید به همین خاطر است که از میان سران پ.ک.ک، تنها تعداد معدودی از آنان، توان تکلم به زبان کُردی را دارند و بقیه به زبان ترکی صحبت می‌کنند. این در حالی است که هویت کُردی و مطالبات قومی و فرهنگی کُردی، کانون و هسته اصلی دیگر احزاب کُردی است. با توجه به آنکه حزب عدالت و توسعه، در رویکرد کلی و در مبانی کلان سیاسی و فکری خود، با ملی‌گرایی کُردی و مطالبات قومی و فرهنگی کُردی اختلاف بنیادین ندارد، دست‌کم در هشت سال اخیر، هم در حوزه اعطای حقوق فرهنگی به کردهای داخل و هم در عرصه تقویت رابطه با اقلیم کردستان عراق، گام‌های مهمی برداشته است.

در شرایط کنونی که در شمال سوریه و در اثر بحران سوریه، نهادهای اقماری پ.ک.ک در طول مرز نهمصد کیلومتری ترکیه و سوریه، قدرت را در دست گرفته‌اند، ترکیه به هراس افتاده و به منظور مقابله با قدرت گرفتن پ.ک.ک در شمال سوریه، تلاش می‌کند تا نهادهای اقماری

پ.ک.ک در شمال سوریه، همچون حزب اتحاد دموکراتیک^۱ و شاخه نظامی آن، یعنی واحدهای دفاع از خلق^۲، را به عنوان تروریست و هم‌ارز داعش معرفی کند. این برخورد ترکیه نشان می‌دهد آنکارا، در موضوع کُردی، نوع و هویت بازیگران را مهم می‌پندارد و مخالفت کورکورانه‌ای با اصل تحرکات کُردی ندارد. برای اثبات این مدعا، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در چند سال اخیر، حکومت آک‌پارتی در تمام صحنه‌های دیپلماسی بین‌المللی، از احزاب کُرد سوری نزدیک به مسعود بارزانی حمایت کرده و برای آن‌ها سهم گرفته و آنان را به ائتلاف مخالفین سوری مقیم استانبول نزدیک کرده است. بنابراین، رویکرد کنونی ترکیه نسبت به کردها در شمال سوریه، تابعی از رویکرد خشن و عاری از اعتماد ترکیه نسبت به پ.ک.ک است و شواهد نشان می‌دهد اگر کردهای نزدیک به بارزانی در شمال سوریه، در ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی دارای سهم شوند، نگرش ترکیه به شمال سوریه تغییر پیدا خواهد کرد.



1. PYD
2. YPG